



۲۹/۰۱/۲۰۱۴

جلیل غنی

جنگ سرد کرزی و بازی با سرنوشت افغانستان

جنگ روانی تازه ای بین رئیس جمهور کرزی و واشنگتن آغاز گردیده و این بار از یک اصل دیرینه جنگ سرد و روانی که در دوران جنگ سرد بین بلاک های شرق و غرب و عمدتاً ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی سابقه معمول بود، کار گرفته میشود، یعنی تحریف حقایق. اما قبل از آنکه به جزئیات این جنگ جدید، تحریف حقایق، بپردازیم لازم می آید نظری بر اظهارات آقای کرزی در کنفرانس خبری روز شنبه در ارگ ریاست جمهوری اندازیم. درین کنفرانس خبری آقای کرزی موافقتنامه امنیتی بین ایالات متحده آمریکا و افغانستان را با معاهده گندمک بین امیر محمد یعقوب خان و انگلیس ها در سال ۱۸۷۹ و معاهده دیورند بین امیر عبدالرحمن خان و سر هنری مارتین دیورند فارن سکرتری دولت عالی هند برتانوی به مقایسه گرفت و گفت « نمی خواهم که موافقتنامه امنیتی، دیورند دومی باشد و یا معاهده گندمک که ما از هردو تا حال آسیب می بینیم» اشاره بود به معاهده دیورند بین امیر عبدالرحمن خان و دیورند و امیر محمد یعقوب خان و انگلیس ها.

در معاهده ای که بین امیر محمد یعقوب خان و کیوناری افسر سیاسی در امور مخصوص به نمایندگی از دولت برتانیه در ۲۶ می سال ۱۸۷۹ در گندمک امضاء شد، میخوانیم:

«امیر افغانستان و ملحقان آن متعهد است که در روابط با حکومت های خارجی پابند مشوره با حکومت برتانیه بوده و با این حکومت عهده نبندد و سلاح بر ضد شان نبردارد و در صورت حمله خارجی امداد نظامی و اسلحه و پول انگلیس بغرض دفاع، طوریکه انگلیس مناسب داند، استعمال خواهد شد...» (۱)

و در معاهده دیورند که در ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ بین امیر عبدالرحمن خان و دیورند به نمایندگی از برتانیه امضاء شد چنین آمده است:

۱ - حد شرقی و جنوبی مملکت جناب امیر صاحب از واخان تا سرحد ایرانی به درازی خطی که در نقشه کشیده شده و آن نقشه همراه عهد ملحق است خواهد رفت.

۲ - دولت عالی هند در ملک های که آنطرف این خط به جانب افغانستان واقع میباشد هیچ وقت مداخله و دست اندازی نخواهند کرد و جناب امیر صاحب نیز در ملک های که بیرون این خط بطرف هندوستان واقع می باشند، هیچ وقت مداخله و دست اندازی نخواهند کرد

۳ - دولت بهیه برتانیه متعهد می شوند که جناب امیر صاحب اسمار و وادی بالای آنرا تا چنگ در قبضه خود نگه بدارند و طرف دیگر جناب امیر صاحب متعهد میشوند که هیچ وقت در سوات و باجوړ و چترال معه وادی ارنوی یا باشگل مداخلت و دست اندازی نخواهند کرد، دولت بهیه برتانیه نیز متعهد می شوند که ملک برمل چنانکه در نقشه ای مفصل که به جناب امیر صاحب از قبل داده شده نوشته شد، به جناب امیر صاحب و اگذار نموده شود و جناب امیر صاحب دست بردار از ادعای خود به باقی ملت وزیری و داور می باشند و نیز دست بر دار از ادعای خود به چاگی می باشند» (۲)

علت یاد آوری از قسمتهای از این دو معاهده درد آور ملی آنست تا با متنی که از موافقتنامه امنیتی با ایالات متحده آمریکا پس از یک و نیم سال مذاکره و چانه زنی های سیاسی تهیه گردیده به مقابله گذاشته شود تا دیده شود که آیا ادعای آقای کرزی و مقایسه این دو معاهده با موافقتنامه امنیتی تا چه حدی موجه است؟

در پاراگراف و یا جمله چهارم مقدمه موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده آمریکا آمده است:

«همچنان با تأکید بر مفاد موافقتنامه همکاری های ستراتیژیک مبنی بر اینکه طرفین به همکاری و تعهدات شان جهت تحقق آینده مبتنی بر عدالت، صلح، امنیت و ایجاد فرصت های لازم برای مردم افغانستان با اطمینان ادامه داده و یکبار دیگر بر تعهد نیرومند شان به حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی افغانستان تأکید میکنند»

در پاراگراف بعدی مسوده این موافقتنامه که مورد تأیید لویه جرگه مشورتی نیز با اکثریت آراء قرار گرفته آمده است:

«...افزایش توانمندی افغانستان برای رفع تهدیدات علیه حاکمیت ملی، امنیت و تمامیت ارضی اش و با در نظر داشت اینکه ایالات متحده در پی دست یابی به تاسیسات دائمی نظامی در افغانستان نبوده و خواهان حضوری نیست که تهدیدی برای همسایگان افغانستان باشد...»

در هیچ یک مواد موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده اشاره ای هم به محدودیت های بر روابط افغانستان با کشور های دیگر حتی آن کشور های که مناسبات با ایالات متحده ندارند و آنرا «شیطان بزرگ» هم می نامند، مثل ایران، نشده است و بر استقلال کامل، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و وحدت ملی افغانستان تأکید شده است نه اینکه محدودیت های بر آن مثل معاهده گندمک وضع شده باشد که آقای کرزی این موافقتنامه را با آن معاهده در یک ردیف قرار داده است.

در چندین ماده و یا فقره این موافقتنامه بر وحدت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، صلح و ثبات در افغانستان و منطقه و مبارزه با تروریسم تأکید شده است. لذا هیچگونه تشابه و ارتباطی بین این موافقتنامه و معاهده گندمک نمیتوان سراغ کرد.

و اما در مورد معاهده دیورند باید گفت همانطوریکه متن مواد یکم تا سوم این معاهده در بالا تذکر داده شد آن معاهده باعث جدا ساختن خط بزرگی از بیکر افغانستان و تعلق آن به هند برتانوی را در بر دارد و حدود جغرافیائی شرق و جنوب

دیپانوی شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

افغانستان تا سرحد ایران را تعیین کرده و تعهداتی از امیر عبدالرحمن خان برای عدم مداخله به آنطرف خط دیورند گرفته شده که تا امروز منشاء اختلافات عمیق و گره باز نشدنی مناسبات افغانستان و پاکستان و هستهٔ تشنجات و بی ثباتی های چندین ساله در افغانستان است.

هرچه در بین مواد موافقتنامهٔ امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده جست و جو گردید مادهٔ دیده نشد که در آن با محدودیتهای بر مناسبات افغانستان وضع شده باشد و با حدود و صغور افغانستان تعیین شده باشد که در نتیجه پارچه از بندهٔ این کشور جدا ساخته شده باشد. بناءً مقایسهٔ این موافقتنامه که ملت افغانستان به امضای آن اشد ضرورت دارد و هراس دارد که در صورت عدم امضاء و تطبیق آن افغانستان به جنگ داخلی دیگری غوطه ور خواهد شد و سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ باز تکرار خواهد گردید ، با معاهدهٔ دیورند هیچگونه توجیهی داشته نمیتواند مگر به این دلایل:

۱ - کشور های همسایه مخصوصاً پاکستان با آن مخالف باشد که مانع تعرضات و دست اندازی های آن بر افغانستان و رویکار کردن یک حکومت دلخواه آنکشور در افغانستان است مثل رژیم طالبان تا از آن طریق بتواند خواب عمق ستراتیژیک خود را در افغانستان تحقق بخشد

۲ - ایران همسایهٔ دیگر افغانستان که مخالفت خود را با امضای این موافقتنامه رسماً اعلام داشت و حتی بیش از یک و نیم سال قبل که پیمان ستراتیژیک بین افغانستان و ایالات متحده در پارلمان افغانستان زیر بحث بود سفیر ایران رسماً از اعضای پارلمان افغانستان خواست که این پیمان را تأیید نکنند.

۳ - طالبان و همدستان شان مثل شبکهٔ حقانی و جناح مربوط گلبدین حکمتیار از حزب اسلامی. در غیر آن این موافقتنامه مطابق به خواست ملت افغانستان و تأکیدی که از جوانب مختلف بشمول جامعهٔ بین المللی برای امضای آن شده است باید امضاء گردد تا بتواند افغانستان را در جلوگیری از سقوط کردن به یک بی ثباتی دیگر و تجربهٔ تلخ دههٔ سال های ۱۹۹۰ کمک نماید.

اما آقای کرزی در کنفرانس مطبوعاتی یک ساعته اش بروز شنبه در ارگ ریاست جمهوری صریحاً اظهار داشت که طرفدار حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ است ولی باید مبتنی بر شرایط او باشد و اگر طبق شرایط او نیست امریکائی ها رفته میتوانند.

آقای کرزی ادعا نمود که زندان بگرام فابریکهٔ طالب سازی است مثل اینکه آقای کرزی مدرسه های مولانا سمیع الحق معروف به پدر معنوی طالبان و مولانا فضل الرحمن را در پاکستان با زندان بگرام عوضی گرفته باشد . از یکطرف میگوید که ریشهٔ تروریسم و تولد تروریست ها در آنطرف خط دیورند است و از جانب دیگر زندان بگرام را که قاتلین طفل و زن و مرد بیگناه و پولیس و قوای امنیتی افغان در آن با اسناد معتبر زندانی هستند و باید بجای آزادی به محاکمه کشانیده شوند «فابریکه» طالب سازی می نامد که به گفتهٔ او «نفرت» را در برابر افغانستان بر آنها ایجاد میکنند.

تیم آقای کرزی در ارگ ریاست جمهوری با توسل به شیوه های کهنهٔ عصر جنگ سرد سعی دارد نه تنها مردم افغانستان را بلکه جامعهٔ جهانی را نیز با ارائهٔ اطلاعات نادرست و جعلی بزم خود شان متقاعد به اطلاعاتی بسازد که در دسترس آنها قرار می دهند غافل از اینکه دیگر این حربه کهنه شده و تحقیقات ژورنالیستیک حقایق را بزودی آشکار میسازد. تحریف حقایق که یکی از شیوه های معمول در جنگ روانی و سرد بین مخالفین است و این شیوه مخصوصاً در قرن بیست مورد استفادهٔ زیاد قرار داشت هنوز هم در برخی کشور ها بکار برده میشود.

اخیراً در حمله ای که بر روستای وازغر در ولایت پروان رخ داد و در آن به گفتهٔ مأمورین مسؤل چهارده طالب و دو کودک نیز درین حملهٔ هوائی کشته شدند، مأمورین ارگ ریاست جمهوری تصاویری را گویا از این حادثه بدسترس خبر نگاران قرار دادند که گویا افراد غیر نظامی کشته و عکس خاک سپاری جنازهٔ یکی از به اصطلاح مقتولین را به خبر نگاران دادند. تحقیقات ژورنالیست ها ثابت ساخته است که این تصویر از حادثهٔ بمباری قوای ناتو در ولایت قندز است که در چهارم سپتمبر سال ۲۰۰۹ توسط عکاس آژانس خبر رسانی فرانسپرس گرفته شده بود که در آن حملهٔ هوائی هفتاد نفر غیر نظامی کشته شده بودند. اما "ایمل خان فیضی" سخنگوی رئیس جمهور که به اصطلاح با اسناد و برکه گرفتار شده بود گفت این موضوع را جدی می گیرند و تحقیق خواهند کرد که چه کسی این تصویر را درین دوسیه برای خبر نگاران گذاشته است. و به گزارش روزنامهٔ نیویارک تایمز تصویر دیگری که مردهٔ دو کودک را نشان می دهد که در کفن پیچانده شده اند سال هاست که در ویب سایت ها به نام کشتار غیر نظامیان توسط طیارات بدون پیلوت در پاکستان استفاده شده است.

همچنان به گزارش نیویارک تایمز سایر تصاویری که درین دوسیه جا داده شده نشان میدهد که در ۱۸ دسمبر سال ۲۰۱۳ ایجاد شده که یک ماه قبل از حادثهٔ روستای وازغر است (۳).

این اقدامات عین روشی است که طالبان بکار برده اند و دیگر بازاری در جامعهٔ ژورنالیستان با خبر و آگاه ندارد. متأسفانه تیم آقای کرزی با توسل به این روش نه تنها به تشنجات بین افغانستان و جامعهٔ جهانی دامن میزند بلکه به آسیاب طالبان آب می ریزد و مردم افغانستان را به گمراهی می کشاند. اینکه آقای کرزی از چنین کار هایی با خبر است یا نه سوالیست که تنها او می تواند بر آن روشنی اندازد.

این جنگ سرد را آقای کرزی با جامعهٔ جهانی در رأس ایالات متحده در آوانی شدت بخشیده که امروز دوشنبه قواماندان قوای بین المللی در افغانستان جنرال "دنفرد" با "بارک اوباما" رئیس جمهور ایالات متحده ملاقات میکند و او را در جریان اوضاع افغانستان قرار میدهد. رئیس جمهور ایالات متحده قرار است شام سه شنبه بیانیهٔ سالانه اش را در مورد اوضاع متحده و جهان به کانگرس ایالات متحده ایراد نماید که عمده ترین بیانیهٔ او در یک سال است و خطوط اساسی سیاست های داخلی و خارجی ایالات متحده را در بر دارد. از جانب دیگر سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی نواز شریف صدراعظم پاکستان به شمول خواجه آصف وزیر دفاع پاکستان وارد ایالات متحده گردیده اند و قرار است امروز دوشنبه با "جان کری" وزیر خارجهٔ ایالات متحده در مورد روابط دو کشور و مسألهٔ افغانستان مذاکره نمایند. اظهارات اخیر آقای کرزی و کشمکش های او با

واشنگتن بدون شک بر این مذاکرات و آنچه رئیس جمهور "بارک اوباما" در خطابه اش شام سه شنبه خواهد گنجاند، تأثیر خواهد بود.

اسلام آباد و واشنگتن در پی آنند که مناسبات شان را بعد از آن بهبود بخشند که بعد از کشته شدن اسامه بن لادن و همچنان حملات طیارات بدون پیلوت در مناطق سرحدی پاکستان، دو عنصر تیرگی روابط بین دو کشور به سردی گرانیده بود، و حالا که حکومت در پاکستان تغییر کرد و نواز شریف بحیث صدراعظم انتخاب گردید و همچنان رهبری نظامی پاکستان تغییر نمود زمینه هایی جست و جو کنند که بتواند این مناسبات را بهبود بخشد.

شکی نیست که اوضاع افغانستان در صدر مذاکرات جان کری و سرتاج عزیز قرار خواهد داشت. سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده امریکا گفت «فکر نمی کنم افغانستان از نظر بیفتد. تقریباً یکنوع حضور دایمی در سیاست پاکستان در سرحد شمالغرب دارد و یک عنصر در مذاکرات باقی خواهد بود.» (۴)

پاکستان بار دیگر سعی خواهد کرد ایالات متحده را متقاعد بسازد که تنها پاکستان میتواند صلح و ثبات را در افغانستان با شناخت از رهبران و قوماندان های با نفوذ جهادی و طالبان بیاورد و بدین ترتیب باز هم غرب را وادار سازد که افغانستان را از عینک پاکستان ببیند همان کاری که از سال های ۱۹۸۰ به بعد تا سال ۲۰۰۱ نمود. با روشی که آقای کرزی در برابر ایالات متحده اتخاذ کرده بعید نیست که ایالات متحده به این نتیجه رسیده باشد که برای بیرون رفتن از بحران افغانستان بازهم نقش کلیدی را به پاکستان بدهد که در آن صورت بار دیگر افغانستان به یک بحران دیگر سیاسی و نظامی مواجه خواهد شد. پاکستان حاضر خواهد بود پناگاهی در اختیار ایالات متحده در ایزای این رواداری ایالات متحده به آنکشور بدهد همانطوری که قبلاً در کوئته موجود بود.

آقای کرزی مثل اینکه تعریف مشخصی از منافع ملی ندارد و تیم آقای کرزی یا تا کنون موفق به تشخیص و تعریف منافع ملی نگردیده و یا اطراف او را کسانی احاطه کرده اند که منافع گروهی و سمتی را بر منافع ملی ترجیح میدهند. هراسی که آقای کرزی از امضای موافقتنامه امنیتی دارد که گویا در صف امیر محمد یعقوب خان و امیر عبدالرحمن خان قرار خواهد گرفت، بیجاست و این موافقتنامه تأیید ملت و تشخیص منافع ملی را از طرف نمایندگان ملت و تأکید آنها را بر امضای هرچه زودتر این موافقتنامه به همراه دارد و اوضاع و شرایطی که امروز افغانستان با آن از جانب برخی همسایگان و دهشت افگنان و مافیای مواد مخدر مواجه است با آنچه که در قرن نوزده قرار داشت کاملاً متفاوت است و این بار ملت پشتیبان چنین موافقتنامه است. عدم امضای این موافقتنامه عواقب و نتایج بسیار نا گوارتر از آنچه خواهد داشت که معاهدات گندمک و دیورند داشت و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال و وحدت ملی افغانستان را تهدید خواهد کرد.

پایان

(۱) فرهنگ افغانستان در پنج قرن اخیر ص ۵۶۱

(۲) همان ص ۵۶۲

(۳) نیویارک تایمز یکشنبه ۲۶ جنوری ۲۰۱۴

(۴) Tribune With The International New York Times